



نبرد سرخوشت؛


# دولت پشتیبان

مجموعه پیام های تبیینی پیرامون  
جنگ دوم اسرائیل و آمریکا با ایران





 [payamenehzat.ir](http://payamenehzat.ir)

 @ [paiamenehzat](mailto:paiamenehzat)

## فهرست

۴	پیام اول	در تعیین سرنوشت جنگ، دولت به اندازه میدان و خیابان سهیم است.
۵	پیام دوم	با وجود حملات دشمن به برخی زیرساخت‌ها، اختلال محسوسی در کشور احساس نمی‌شود.
۶	پیام سوم	هم‌زمان با وجود تنش‌های گسترده، شبکه تجارت کالاهای اساسی، دچار مشکل نشده است.
۷	پیام چهارم	روند رسیدگی به مناطق آسیب‌دیده و پشتیبانی از جنگ‌زدگان در وضعیت قابل دفاعی قرار دارد.
۸	پیام پنجم	برخلاف جوسازی‌ها، دستگاه دیپلماسی در کشور در هماهنگی کامل با میدان عمل می‌کند.
۹	پیام ششم	دستگاه‌های دولتی در حال پشتیبانی لجستیکی از نیروهای مسلح هستند.
۱۰	پیام هفتم	برخلاف تبلیغات دشمن مبنی بر فرار مسئولین از کشور، مسئولین در حال خدمت میدانی هستند.
۱۱	پیام هشتم	وظیفه دولت بعد از تعطیلات فراهم‌کردن زمینه برگشت شرایط کار و تولید به وضعیت عادی است.
۱۲	پیام نهم	دولت باید افزایشی که معیشت آنها تحت تأثیر جنگ مختل شده است را پشتیبانی کند.
۱۳	پیام دهم	دولت باید در دستورالعمل‌های خود را برای حداکثرسازی خدمات خود در همه عرصه‌ها آماده کند.
۱۴	پیام یازدهم	مراکز صنعتی، که در جنگ، آسیب دیده و یا تعطیل شده‌اند باید فوراً به چرخه تولید بازگردند.
۱۵	پیام دوازدهم	گفتار دولت باید احساس جهاد به مدیران و کارگران که صنایع را سرپا نگه می‌دارند، باشد.
۱۶	پیام سیزدهم	دولت باید سازوکار چابک برای بازسازی سریع منازل مسکونی تخریب شده را تعیین کند.
۱۷	پیام چهاردهم	دولت باید بسترها و ظرفیت‌های ممکن برای بازگشت سرمایه‌های خارج از کشور را فراهم کند.

## در تعیین سرنوشت جنگ، دولت به اندازه میدان و خیابان سهیم است.

میدان هر جنگی، فارغ از نوع آن، به دو بخش جبهه و پشت جبهه تقسیم می‌شود. آنچه در نگاه نخست به چشم می‌آید، حضور رزمندگان در خط مقدم است، اما حقیقت آن است که پشت جبهه نقشی تعیین‌کننده در کیفیت و نتیجه جنگ دارد.



پشتیبانی‌های لجستیکی و تسلیحاتی نیروهای مسلح بخشی از این پشت جبهه را تشکیل می‌دهند، اما بخش مهم‌تر و عمیق‌تر آن، مدیریت جامعه و حفظ نظام زندگی در کشور است. هرگونه اختلال در مدیریت جامعه، چه در حوزه اقتصاد، معیشت، امنیت روانی یا انسجام اجتماعی، تأثیری مستقیم بر نیروهای عمل‌کننده در جبهه می‌گذارد و دامنه اقدام آنان را محدود می‌کند. در واقع، توان رزمندگان در میدان، بیگانه از ثبات و آرامش پشت جبهه نیست. در ارزیابی واقع‌بینانه باید گفت که دولت در این جنگ پیچیده و تمام‌عیار، وظیفه خطیر مدیریت جامعه را با موفقیت به پیش برده و توانسته کیفیت زندگی در کشور را متناسب با شرایط جنگی حفظ کند. این توفیق در حفظ نظم و انسجام داخلی، زمینه‌ای ساخت که نیروهای مسلح با اقتدار و قدرت، پاسخی متناسب به متجاوزین بدهند و پاسخ خویش را مستمر سازند. بنابراین، پاسخ مؤثر به دشمن در کنار شجاعت، ایثار و درایت نیروهای عملیاتی در جبهه‌ها به کارایی هماهنگ و کارآمد دستگاه‌های دولتی در پشت جبهه نیازمند است. دولت در این پیروزی سهمی مستقیم و غیر قابل انکار دارد و جزئی جدایی‌ناپذیر از آن به شمار می‌رود. با این نگاه، روشن می‌شود که تعیین سرنوشت جنگ، تنها به تحولات میدان نبرد گره نخورده است؛ دولت نیز به اندازه میدان و خیابان در این سرنوشت سهیم بوده و بخش مهمی از مدیریت کل جنگ را بر عهده داشته است.

## با وجود حملات دشمن به برخی زیرساخت های انرژی، هیچ اختلال محسوسی در کشور احساس نمی شود.



جنگ رمضان بیش از یک ماه است که تداوم یافته و طی این مدت، تولید، توزیع و مصرف انرژی در کشور با چالش محسوسی روبرو نشده است و در این زمینه، مشاهدات و گزارش های میدانی به وضوح موید ادعای مذکور است. این در حالی است که از اواسط درگیری، دشمن با گسترش بخشی به سطح درگیری ها،

عملاً به زیرساخت های انرژی ایران در اقصی نقاط خاک کشور حمله کرد و مهم ترین زیرساخت های انرژی کشور را هدف حمله قرار دارد که به عنوان نمونه می توان به مواردی همچون نیروگاه اتمی بوشهر، پالایشگاه عسلویه، نیروگاه های متعدد برق کشور و کارخانه های مهم کشور از جمله کارخانه فولاد مبارکه اصفهان اشاره کرد. با این وجود مردم در زندگی روزمره خود دچار اختلال محسوسی نشدند. در خصوص هدف قراردادن نیروگاه های برق، ما شاهد این بودیم که قطعی برق تنها پس از ساعتی حل و فصل شد و شرایط انرژی شهری در تهران و البرز به حالتی عادی خود بازگشت. همچنین در خصوص مدیریت گاز در اسفندماه که سرمای زمستان در کشور حاکم بود، مشکلی در تأمین و مصرف این انرژی حیاتی پیش نیامد؛ بنابراین کشور از لحاظ دسترسی و مصرف انرژی دچار هیچ کاستی ملموسی نیست و زندگی روزمره مردم مطابق دوران پیش از جنگ سپری می شود و این یک موفقیت امیدبخش در سطح اداره کشور است که می تواند هم زمان با جنگ در برابر قوی ترین ارتش جهان، بدون هیچ اختلالی، نظم زندگی روزمره عموم ملت را پشتیبانی کند.

## هم‌زمان با وجود تنش‌های گسترده در خلیج فارس، شبکه تجارت کالاهای اساسی، دچار مشکل نشد است.

در حالی که خلیج فارس توسط ایران در وضعیت انسداد هوشمند قرار دارد و حجم ترانزیت کالا و انرژی در این آبراهه به حداقل رسیده (تا ۹۷ درصد کاهش حسب برخی آمار)، اما کشورمان به لحاظ تأمین زنجیره کالاهای اساسی دچار هیچ‌گونه معضلی نیست. وضعیت فروشگاه‌های خرد و کلان و سرشاری کالاها نشان می‌دهد که کالاها



در کشور به‌وفور وجود دارند. شاید تصور شود این امر ناشی از ذخیره پیشین کالا توسط دولت و آمادگی برای جنگ احتمالی بوده است. این تلقی البته غلط نیست؛ اما کامل هم نیست. در این صورت، گذشت ۳۰ روز از این هجوم باید نشانه‌هایی از کاستی در انبارهای کالا را نمایان می‌ساخت و بازار، حداقلی از واکنش را نشان می‌داد و حال آنکه به لطف ربوبی و تدابیر مسئولان و همکاری شبکه تأمین و توزیع کالا چنین امری مشاهده نمی‌شود. نباید فراموش کرد ما کشوری با جمعیتی معادل ۹۰ میلیون نفریم، اما در همین زمان در برخی کشورهای کم‌جمعیت خلیج فارس، تصاویر قفسه‌های خالی از کالای فروشگاه‌ها به‌کرات در رسانه‌ها بازتاب یافته است.

چنین وضعیتی نشان می‌دهد فرایند ورود و خروج کالا در کشور متوقف نشده است. مبادی ورود کالا به کشور محدود به خلیج فارس نیست و مرزهای شمالی به‌ویژه شمال شرقی و مبادی دریایی در دریای خزر و حتی مرزهای شرقی و بلکه غربی، همچنان مسیر کالاها و از جمله کالاهای اساسی مورد نیاز کشورند. از این رو این مسیر روان در کنار ذخیره دست‌کم شش‌ماهه موجب شده، هیچ‌گونه کمبودی دیده نشود. در کنار این‌ها باید به شبکه حمل‌ونقل کشور و از جمله شبکه حمل‌ونقل جاده‌ای و به‌ویژه مجاهدت رانندگان خودروهای سنگینی چون کامیون و تریلی اشاره کرد که با درک درستی از وضعیت هم به‌صورت نمادین در رژه‌هایشان اعلام داشتند و هم به شکلی واقعی این مسیر تأمین و توزیع را فعال و پویا نگه داشته‌اند. نباید فراموش کرد که بخشی از کالاهای اساسی ما هم اساساً وارداتی نبوده، و فورشان مدیون تداوم مجاهدت تولیدکنندگان دلسوز داخلی است.

## روند رسیدگی به مناطق آسیب دیده و پشتیبانی از جنگ‌زدگان در وضعیت قابل دفاعی قرار دارد.



فضای جنگ طی ماه گذشته به نحوی پیش رفته که اماکن مسکونی بسیاری هدف حمله قرار گرفته‌اند و حجم قابل توجهی از مردم شهرهای مختلف کشور، در وضعیت جنگ‌زده قرار گرفته‌اند. علی‌رغم این شرایط اما دولت در خصوص اسکان خانواده‌هایی که خانه‌هایشان در جریان حملات دشمن دچار آسیب و یا تخریب شده است، اقدام کرده و تاکنون اغلب این خانواده‌ها در هتل‌هایی که برای آنها

تدارک دیده شده است، سکونت یافته‌اند و این تصمیم حمایتی، تا حد قابل قبولی اجرایی شده است. همچنین در خصوص اعزام به موقع نیروهای امدادگر هلال‌احمر و سایر نهادها نیز، عملکرد قابل قبولی وجود داشته است و گروه‌های امدادگر بی‌وقفه در حال نجات و کمک به هم‌وطنان خود هستند. فارغ از این حضور ضروری امدادگران، کمک‌هایی که از جانب گروه‌های مردمی و بسیجی در خصوص آواربرداری‌ها و خاک‌برداری‌ها وجود دارد نیز قابل تقدیر است که البته به این موارد نیز منحصر نمی‌شود و در خصوص تأمین مایحتاج مردم جنگ‌زده نیز آنها آماده هستند تا هر اقدام موردنیازی را به انجام برسانند. همچنین در خصوص اسناد مفقود شده یا آسیب دیده اموال مردم نیز معاون سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اعلام کرد که افرادی که اسناد مالکیت آنها در جریان حملات دشمن آسیب دیده، می‌توانند با مراجعه به واحدهای ثبتی، نسخه مجدد سند خود را در اسرع وقت تحویل بگیرند؛ بنابراین در مجموع، دولت تمام توان خود را در اداره کشور به کار گرفته و خصوصاً برای پشتیبانی حمایت‌گرانه از جنگ‌زدگان شهرهای مختلف در کشور، تلاش می‌کند.

## برخلاف جوسازی ها، دستگاه دیپلماسی در کشور در هماهنگی کامل با میدان عمل می کند.

گفتمان تقلیل گرایانه‌ی تقابل «میدان و دیپلماسی»، مدت ها به عنوان دوگانه‌ای فرسایشی، افکار عمومی را درگیر نبرد شناختی پیچیده‌ای کرده بود. با این حال، رویکرد هوشمندانه و مدیریت یکپارچه‌ی دولت کنونی، این گزاره‌ی ساختگی را بی اعتبار ساخت. نبرد رمضان صحنه‌ی آزمونی بود که به روشنی اثبات کرد در سایه‌ی انسجام راهبردی دولت، در عمل هیچ گونه شکافی میان نیروهای مسلح و دستگاه دیپلماسی وجود ندارد.

هنر دولت در این مقطع، مهندسی پیوند طبیعی میان دکتترین نظامی و راهبردهای سیاست خارجی است؛ به گونه‌ای که مواضع دستگاه دیپلماسی بازتاب دهنده‌ی اقتدار میدانی بوده و فرماندهان نظامی نیز درکی عمیق از ظرافت‌های دیپلماتیک دارند. نمود بارز این بلوغ سیاسی در مواجهه با تحرکات اخیر جبهه‌ی مقابل مشهود است. با وجود ارسال پالس‌های مکرر از سوی دشمن برای مذاکره، دستگاه دیپلماسی با هوشیاری کامل در تله‌ی این فضا سازی‌ها گرفتار نشده و در تمامی مواضع، صراحتاً بر «بی اعتمادی مطلق به دشمن» تأکید می‌ورزد. در این الگو، دیپلماسی و میدان تحت هدایت دولت به مثابه دو بازوی مکمل عمل می‌کنند. کنشگری‌های دیپلماتیک دقیقاً در خدمت تثبیت دستاوردهای نظامی است و رسالت خطیر آن، ترجمان سیاسی پیروزی‌های میدان می‌باشد تا این موفقیت‌ها به منافع پایدار راهبردی برای کشور تبدیل شوند.



Seyed Abbas Araghchi  
@araghchi

X.com

Iran respects the Kingdom of Saudi Arabia and considers it a brotherly nation.

Our operations are aimed at enemy aggressors who have no respect for Arabs or Iranians, nor can provide any security. Just look at what we did to their aerial command.

High time to eject U.S. forces.



## دستگاه‌های دولتی در حال پشتیبانی لجستیکی از

## نیروهای مسلح هستند.



با اینکه شبکه گسترده دفاعی کشور و نیروهای مسلح دارای توانایی‌های فوق‌العاده لجستیکی است و عمده نیازهای خویش را مرتفع می‌سازد؛ اما درعین حال دستگاه‌های دولتی آماده ارائه خدمات و پشتیبانی‌های ضروری از ایشان هستند. شرایط کنونی، شرایط حساسی است که همه کشور را وارد امر دفاع ملی گسترده کرده و بنابراین هیچ دستگاهی حق ندارد به بهانه تفکیک مأموریتی و عدم ارتباط ماهوی، در امر دفاع و پشتیبانی آن وارد نشود. تجارب سایر کشورها

مانند انگلستان در جنگ جهانی دوم که حتی روستاهایش پذیرای کودکان لندنی برای حفاظت در قبال حمله‌های سنگین جنگنده‌های نازی بود یا قطارهای بین‌شهری برای جابه‌جایی نیروهای نظامی توسط همه کشورها همواره استفاده می‌شده، شاهدهی است بر این‌که وقتی کشوری در موضع دفاع ملی قرار می‌گیرد همه ارکان اولویت دفاع را انتخاب کرده، به دفاع و نیروهای مستقیم دفاعی خدمات ارائه می‌کنند.

در کشور ما هم شبکه‌ها و نهادهایی مانند بیمارستان‌ها و کادر درمان، شبکه مالی و توزیع بودجه، تأمین حلقه‌های مفقوده تولیدات دفاعی یا آسیب‌دیده ناشی از تهاجمات دشمن در بخش صنعت، هماهنگی اطلاعاتی و امنیتی و ایمنی، کنترل و نگهداری متناسب شبکه داده و اینترنت یا اینترنت، تأمین کالاهای مصرفی مانند مواد غذایی مورد نیاز نیروهای مسلح و مانند این‌ها همگی جزء مواردی است که دولت با هوشیاری کامل در خدمت اولویت دفاع از کشور قرار داده است. گرچه چنان‌که اشاره شد خود نیروهای مسلح به اتکای ظرفیت خویش بخش عمده این نیازها را از پیش تدارک کرده باشند یا در حال تأمینشان باشند اما حسب درخواست و نیاز نیروهای مسلح یا امنیت، دولت به سرعت این امور را در استخدامشان قرار می‌دهد.

واقعیت این است که ادراک واضحی از وضعیت جنگی و ضرورت ایفای نقش فعال در جنگ توسط همه ارکان کشور وجود دارد و این ادراک از بالاترین سطوح تا پایین‌ترین آن دیده می‌شود. به تعبیر دکتر عارف معاون اول رئیس‌جمهور نیروهای نظامی در میدان، مردم در خیابان و دولت با پشتیبانی از این دو، همگی مشغول دفاع هستند

## برخلاف تبلیغات گسترده دشمن مبنی بر فرار مسئولین از کشور در هنگام جنگ، توده مسئولین در حال خدمت میدانی هستند.

بر خلاف تبلیغات گسترده دشمن مبنی بر فرار مسئولین از کشور، توده مسئولان در حال خدمت میدانی هستند. در شرایطی که ملت ایران با تهدیدها و فشارهای بیرونی روبه‌رو می‌شود، جنگ تنها در میدان‌های نظامی رخ نمی‌دهد؛ بلکه در عرصه رسانه و افکار عمومی نیز ادامه دارد. در چنین موقعیت‌هایی، انتشار شایعات و روایت‌های نادرست یکی از ابزارهایی است که برای ایجاد ناامیدی و تضعیف روحیه عمومی به



کار گرفته می‌شود. یکی از این شایعات رایج در بسیاری از بحران‌ها، ادعای ترک صحنه از سوی مدیران و مسئولان است؛ ادعایی که هدف آن القای بی‌ثباتی و بی‌اعتمادی در جامعه است. اما واقعیت‌های میدانی در بسیاری از موارد تصویری متفاوت ارائه می‌دهد. در جنگ اخیر که کشور با شرایط دشواری روبه‌رو می‌شود، بخش‌های مختلف اجرایی، خدماتی و مدیریتی به فعالیت خود ادامه می‌دهند. دستگاه‌های خدمات‌رسان، نهادهای امدادی، بخش‌های اجرایی و مجموعه‌های مدیریتی در حوزه‌های گوناگون تلاش می‌کنند تا روند اداره امور کشور متوقف نشود و نیازهای مردم در حد امکان پاسخ داده شود. تداوم خدمات عمومی، مدیریت زیرساخت‌ها، رسیدگی به مسائل معیشتی و حفظ نظم اداری نشان می‌دهد که ساختارهای مسئولیتی همچنان فعال و در حال انجام وظایف خود هستند.

تجربه بسیاری از کشورها نیز نشان می‌دهد که در شرایط بحران، آنچه بیش از هر چیز اهمیت دارد استمرار خدمت‌رسانی و حضور مسئولان در میدان عمل است. جامعه زمانی می‌تواند از یک دوره دشوار عبور کند که نهادهای اجرایی، مدیران و نیروهای خدماتی با احساس مسئولیت به کار خود ادامه دهند و اجازه ندهند روند اداره امور مختل شود. در چنین فضایی، تشخیص واقعیت از شایعه اهمیت زیادی دارد. توجه به آنچه در میدان عمل رخ می‌دهد و مشاهده ادامه فعالیت‌های خدماتی و مدیریتی می‌تواند تصویر دقیق‌تری از وضعیت ارائه دهد. استمرار کار و خدمت‌رسانی دولتمردان و مسئولین سطوح مختلف نشان می‌دهد که اداره امور کشور بر پایه مسئولیت‌پذیری و حضور فعال نیروهای اجرایی ادامه دارد و تلاش‌ها برای حفظ ثبات و پاسخگویی به نیازهای جامعه همچنان جریان دارد.

## وظیفه مهم دولت بعد از تعطیلات نوروزی فراهم کردن زمینه برگشت شرایط کار و تولید به وضعیت عادی است.

در شرایط جنگ‌های میان‌مدت، مهم‌ترین چالش دولت حفظ «ریتم عادی زندگی اجتماعی و اقتصادی» است. تجربه بسیاری از جوامع نشان می‌دهد که پس از شوک اولیه بحران، اگر جامعه در وضعیت تعلیق و بلا تکلیفی باقی بماند، پیامدهای آن به مراتب پرهزینه‌تر از خود فشارهای جنگی خواهد بود. از این منظر، دوره پس از تعطیلات نوروزی برای دولت در ایران یک مقطع راهبردی محسوب می‌شود؛ زیرا آغاز سال کاری جدید، لحظه بازگشت جامعه به چرخه تولید، اشتغال و برنامه‌ریزی اقتصادی است. در فرهنگ اداری و اجتماعی ایران، نوروز نقطه توقف طبیعی فعالیت‌ها و در عین حال آستانه شروع دوباره کار و تلاش جمعی است. در شرایط جنگ میان‌مدت، اگر دولت نتواند در این مقطع نشانه‌های روشن از بازگشت نظم اقتصادی و اداری ارائه دهد، جامعه ممکن است وارد نوعی احساس تعلیق و بی‌افقی شود. چنین احساسی به تدریج انگیزه کار، سرمایه‌گذاری و تولید را تضعیف می‌کند و فضای عمومی را از «افق فعالیت» تهی می‌سازد.

به همین دلیل، یکی از وظایف اساسی دولت در آغاز سال کاری، ارسال سیگنال‌های روشن از ثبات و استمرار فعالیت‌های اقتصادی است. فعال‌شدن منظم دستگاه‌های اجرایی، اعلام برنامه‌های اقتصادی و تولیدی، تسهیل فعالیت کسب‌وکارها و ایجاد اطمینان در فضای بازار، از جمله اقداماتی است که می‌تواند جامعه را به بازگشت به چرخه عادی کار تشویق کند. در واقع دولت در این مقطع نقش «تنظیم‌کننده ریتم اجتماعی» را ایفا می‌کند؛ نقشی که اگر به درستی انجام شود، جامعه نیز به طور طبیعی با آن همسو خواهد شد.

بی‌توجهی به این مسئله می‌تواند عوارض متعددی برای کشور به همراه داشته باشد. رکود در فعالیت‌های اقتصادی، کاهش انگیزه نیروی کار، افزایش نااطمینانی در بازار و تضعیف روحیه عمومی از جمله پیامدهایی است که در نهایت بر توان ملی در مدیریت شرایط جنگی نیز اثر می‌گذارد. در مقابل، بازگشت سریع و سازمان‌یافته به نظم کاری، پیام روشنی به جامعه و فعالان اقتصادی منتقل می‌کند؛ اینکه حتی در شرایط دشوار، مسیر کار و تولید متوقف نشده است.

در جنگ‌های میان‌مدت، پایداری کشور در توان دولت برای حفظ جریان عادی کار و زندگی اجتماعی معنا پیدا می‌کند. بازگرداندن جامعه به افق کار و تولید پس از تعطیلات نوروز، در چنین شرایطی یک ضرورت راهبردی برای حفظ تاب‌آوری ملی است.

## دولت باید اقلشاری که معیشت آنها تحت تأثیر جنگ مختل شده است را پشتیبانی کند.

در شرایط بحرانی و جنگی، نخستین تأثیرات مستقیم معمولاً بر زندگی روزمره مردم دیده می‌شود. زمانی که یک کشور درگیر دفاع از تمامیت خود می‌شود، فشارهای اقتصادی، محدودیت‌های جابه‌جایی، اختلال در زنجیره تأمین و کاهش فعالیت‌های تجاری می‌تواند معیشت گروه‌های مختلف جامعه را تحت تأثیر قرار دهد. در چنین شرایطی، نقش دولت بیش از



هر زمان دیگری حیاتی است؛ زیرا پایداری اجتماعی و اعتماد عمومی به میزان توان دولت در حمایت از اقلشار آسیب‌پذیر بستگی دارد.

وظیفه دولت در این مرحله، طراحی و اجرای سیاست‌های حمایتی مؤثر برای حفظ معیشت مردم است. این حمایت می‌تواند شامل تأمین کالای اساسی، کنترل قیمت‌ها، تسهیل دسترسی به خدمات ضروری، ارائه کمک‌های مالی یا اعتباری به کسب‌وکارهای خرد و حفاظت از بازار کار باشد. ضروری است دولت با اتخاذ تصمیمات سریع و مبتنی بر داده‌های واقعی، آسیب‌های ناشی از شرایط جنگی را کاهش داده و از فروپاشی اقتصادی جلوگیری کند.

در کنار این، تقویت نظام‌های تأمین اجتماعی و افزایش هماهنگی میان نهادهای دولتی و مردمی اهمیت ویژه‌ای دارد. استمرار فعالیت اقتصادی، حتی در سطح حداقلی، نماد مقاومت ملی است و می‌تواند روحیه جامعه را حفظ کند. حمایت از تولیدکنندگان، اصناف و کارگاه‌های کوچک نه تنها به حفظ اشتغال کمک می‌کند، بلکه مقدمه‌ای برای بازسازی پس از بحران خواهد بود. در مجموع، دولت باید در دوران جنگ، همان‌گونه که امنیت ملی را پاس می‌دارد، از امنیت معیشتی مردم نیز دفاع کند. طراحی سازوکارهای مالی و اجرایی برای حمایت از اقلشاری که در خط مقدم آسیب‌های اقتصادی قرار دارند، ضمانت استقامت جامعه در برابر فشارهای جنگی است و زمینه بازگشت سریع‌تر کشور به مسیر عادی زندگی را فراهم می‌سازد.

## دولت باید در اسرع وقت دستورالعمل های خود را برای حداکثرسازی خدمات خود در همه عرصه ها آماده کند.

در شرایط جنگ های میان مدت، یکی از مهم ترین شاخص های پایداری دولت ها، توانایی آن ها در حفظ و حتی تقویت سطح خدمات عمومی است. جنگ اگرچه فشارهای گسترده ای بر ساختارهای اجرایی و اقتصادی وارد می کند، اما درعین حال انتظارات جامعه از دولت برای حل مسائل روزمره، تأمین خدمات و مدیریت امور عمومی افزایش می یابد. در چنین وضعیتی، هرگونه تعلیق یا کاهش محسوس خدمات دولتی می تواند به سرعت احساس بی نظمی و بی ثباتی را در جامعه گسترش دهد و اعتماد عمومی را تضعیف کند.

از این منظر، یکی از وظایف فوری دولت در آغاز شرایط جنگی، تدوین و ابلاغ سریع دستورالعمل های جامع برای «حداکثرسازی خدمت رسانی» در همه دستگاه های اجرایی است. هدف این دستورالعمل ها باید آن باشد که ساختار دولت بتواند در کوتاه ترین زمان ممکن خود را با شرایط جدید تطبیق دهد و بدون وقفه، خدمات خود را با ظرفیت بالاتری ادامه دهد. در واقع، جنگ نباید بهانه ای برای کاهش کارآمدی نظام خدمات عمومی باشد؛ بلکه باید به محرکی برای بازآرایی سریع و چابک ساختار اجرایی تبدیل شود.

در این چارچوب، لازم است مجموعه ای از دستورالعمل های به روز در ابعاد مختلف تهیه و عملیاتی شود. دستورالعمل های مکانی برای تنظیم نحوه ارائه خدمات در شرایط خاص، دستورالعمل های زمانی برای افزایش ساعات و دسترسی عمومی به خدمات، و دستورالعمل های اجرایی برای تسهیل فرایندهای اداری و کاهش بروکراسی از جمله اقداماتی است که می تواند دسترسی مردم به خدمات را حفظ و تقویت کند. در کنار آن، دستورالعمل های پشتیبانی و مدیریتی برای سازماندهی منابع انسانی، توزیع مناسب نیروها، و استفاده حداکثری از ظرفیت های نهادی ضروری است. همچنین طراحی سازوکارهای جبرانی برای کارکنان و دستگاه هایی که فشار بیشتری را تحمل می کنند، می تواند استمرار این روند را تضمین کند.

در این چارچوب، استمرار و تقویت خدمات حیاتی دولت اهمیت ویژه ای دارد؛ از جمله خدمات مالی و بانکی، حمایت های رفاهی و معیشتی، خدمات درمانی و بهداشتی، پوشش های بیمه ای، خدمات انتظامی و امنیتی، مدیریت زیرساخت های حمل و نقل و ارتباطات، تأمین پایدار انرژی و سوخت، و دیگر خدمات عمومی که زندگی روزمره جامعه به پایداری آن ها وابسته است.

## مراکز صنعتی دولتی و غیردولتی، که در جنگ، آسیب دیده و یا تعطیل شده‌اند باید فوراً به چرخه تولید بازگردند.

در شرایط جنگ‌های میان‌مدت، حفظ تداوم تولید صنعتی یکی از ارکان اساسی پایداری اقتصادی و اجتماعی کشور محسوب می‌شود. آسیب‌دیدگی یا توقف فعالیت برخی واحدهای صنعتی در جریان جنگ امری محتمل است، اما آنچه اهمیت راهبردی دارد سرعت و اراده دولت و بخش‌های مسئول برای بازگرداندن این مراکز به چرخه تولید است. هرگونه وقفه طولانی در فعالیت صنایع، فراتر از یک اختلال اقتصادی، می‌تواند پیامدهای گسترده اجتماعی و سیاسی به همراه داشته باشد.

نخستین پیامد توقف تولید، تشدید نااطمینانی اقتصادی است. کارخانه‌ها و مراکز صنعتی نه تنها محل تولید کالا و ارزش اقتصادی هستند، بلکه شبکه‌ای از اشتغال مستقیم و غیرمستقیم را شکل می‌دهند. تعطیلی طولانی مدت این مراکز می‌تواند به بیکاری کارگران، کاهش درآمد خانوارها و تضعیف معیشت طبقات مختلف اجتماعی منجر شود. چنین وضعیتی به تدریج فشارهای اجتماعی را افزایش داده و احساس بی‌ثباتی اقتصادی را در جامعه گسترش می‌دهد.

در سطحی فراتر، توقف فعالیت صنایع می‌تواند به اختلال در زنجیره‌های تأمین و تولید ملی نیز منجر شود. بسیاری از صنایع به صورت شبکه‌ای به یکدیگر وابسته‌اند و توقف یک بخش می‌تواند بخش‌های دیگر اقتصاد را نیز با مشکل مواجه کند. این اختلال‌ها در نهایت بر بازار، قیمت کالاها و ظرفیت اقتصادی کشور اثر گذاشته و توان ملی برای مدیریت شرایط جنگی را کاهش می‌دهد.

از منظر سیاسی نیز تداوم تعطیلی مراکز صنعتی می‌تواند پیامدهای قابل توجهی داشته باشد. جامعه‌ای که نشانه‌های رکود و توقف فعالیت اقتصادی را مشاهده می‌کند، ممکن است دچار احساس رکود عمومی و کاهش امید به آینده شود. چنین فضایی می‌تواند اعتماد عمومی به کارآمدی مدیریت بحران را تحت تأثیر قرار دهد و سرمایه اجتماعی لازم برای عبور از شرایط دشوار را تضعیف کند. دولت می‌تواند با بسیج منابع مالی و فنی، تسهیل مقررات، حمایت از بازسازی زیرساخت‌ها و ایجاد سازوکارهای جبرانی برای بنگاه‌های آسیب‌دیده، روند احیای تولید را تسریع کند. همکاری نزدیک میان دولت، بخش خصوصی و نهادهای پشتیبان صنعتی در این مسیر اهمیت ویژه‌ای دارد. کارخانه‌ها و مراکز صنعتی تنها واحدهای اقتصادی نیستند؛ آن‌ها نشانه‌های عینی تداوم حیات اقتصادی و اجتماعی کشورند. روشن ماندن چراغ تولید، پیام روشنی برای جامعه دارد؛ اینکه حرکت اقتصاد و زندگی جمعی متوقف نشده و کشور توان ادامه مسیر را دارد.

## گفتار دولت باید احساس جهاد و مجاهدت به مدیران و کارگران که صنایع را سرپا نگه می دارند،

### باشد.



فرهنگ جهاد به عنوان تلاش برای مقابله با دشمن در عمق جان مردم ما نهادینه است و ریشه های دینی و اعتقادی مستحکم آن با شرافت و انسانیت مردم ایران گره خورده است. رهبر شهید انقلاب می فرمودند: ما هر جایی که به خدا تکیه کردیم، به نیروی مردم تکیه کردیم و حاضر به حرکت جهادی شدیم، پیروز شدیم.

امروز در میانه جنگ و التهابات جامعه وصف آرای خصمانه دشمن برای فلج کردن کشور و زندگی مردم، بیش از پیش بستر حضور جهادی و مجاهدت مردم پدید آمده است. دولت به عنوان بستر ساز اصلی و جهت دهنده به حرکت های مردمی، می تواند از این فرهنگ جهت رفع مشکلات موجود کشور به خوبی استفاده کند. دولت با ایجاد بسترهای مشارکت اجتماعی و به کارگیری ابزارهای حاکمیتی و رسانه، در موضوعات مختلفی همچون جهاد بازسازی برای بازسازی و ترمیم منازل و ساختمان های آسیب دیده، جهاد راه اندازی برای جلوگیری از تعطیلی واحدهای صنعتی و فنی، جهاد سازندگی برای شروع حرکت های جدید در حوزه های مختلف و اموری از این دست، می تواند ظرفیت عظیم مردمی را به یاری کشور بیاورد. به عنوان مثال در حوزه صنعتی و کارگری، افراد زیادی حاضر هستند به عنوان نیروی جهادی در کارخانه ها و واحدهای تعطیل شده یا نقاط پرخطر، حضور پیدا کرده و مشغول کار شوند تا کمبود نیروی کار، باعث تعطیلی این واحدها نشود. نقش اساسی دولت به عنوان ستاد هماهنگ کننده پشتیبان این نیروهای مردمی در حوزه شناسایی عرصه های مورد نیاز و تدوین طرح و برنامه های مردم پایه و بستر سازی برای جذب و به کارگیری نیروهای جهادی و پشتیبانی از این نیروها، حائز اهمیت است. در حوزه جامعه شناسی و روان شناسی نیز، فضای جهاد و حرکت الهی، علاوه بر نقش آفرینی مؤثر برای حل مشکلات کشور، خاصیت رشد دهنده و بالندگی اجتماعی و روان شناختی جامعه را نیز دارد. افرادی که در این فضای ویژه قرار می گیرند به رشد معنوی و روحی منحصربه فردی دست پیدا می کنند و در زمینه اجتماعی نیز، این اقدامات مردم پایه باعث افزایش همبستگی و همدلی بین اقشار مختلف جامعه می شود که می تواند پادزهری بر التهابات تحت تأثیر جنگ و درگیری باشد.

## دولت باید سازوکار چابک برای بازسازی سریع منازل

## مسکونی تخریب شده را تعبیه کند.

در شرایطی امکان طولانی تر شدن جنگ بالاست، یکی از ملموس ترین پیامدهای درگیری ها برای جامعه، آسیب دیدن یا تخریب منازل مسکونی است. خانه، برای هر خانواده مهم ترین کانون امنیت روانی، ثبات اجتماعی و هویت خانوادگی محسوب می شود. از این رو، تخریب گسترده واحدهای مسکونی در جریان جنگ می تواند پیامدهایی فراتر از خسارت های فیزیکی به همراه



داشته باشد و به سرعت به یک مسئله اجتماعی و سیاسی تبدیل شود.

جنگ باعث شده ده ها هزار واحد مسکونی دچار درجات مختلفی از آسیب از تخریب کامل تا خسارت های جزئی اما مختل کننده زندگی روزمره شوند. خانواده هایی که با این وضعیت مواجه می شوند، غالباً علاوه بر خسارت های مالی، با آسیب های جسمی، فشارهای روانی و تجربه آوارگی نیز روبه رو هستند. اگر بازسازی یا ترمیم این منازل با تأخیر طولانی همراه شود، پیامدهایی همچون گسترش نارضایتی اجتماعی، افزایش فشار اقتصادی بر خانوارها، مهاجرت اجباری و تضعیف حس امنیت اجتماعی در جامعه بروز خواهد کرد.

به همین دلیل، بازسازی سریع مسکن آسیب دیده باید به عنوان یک «وضعیت فوق العاده سیاسی» در نظر گرفته شود. دولت لازم است سازوکارهای چابک، متنوع و کم بروکراسی را برای مدیریت این مسئله طراحی و اجرا کند. ایجاد سازوکارهای مالی حمایتی، تسهیل دسترسی به تسهیلات بانکی، استفاده از ظرفیت شرکت های ساختمانی، سازماندهی نیروهای فنی و مهندسی، و تسریع در صدور مجوزهای لازم از جمله اقداماتی است که می تواند روند بازسازی را کوتاه و کارآمد کند.

در کنار آن، تنوع در روش های بازسازی نیز اهمیت دارد؛ از تعمیر سریع خسارت های جزئی گرفته تا احداث واحدهای جایگزین برای منازل کاملاً تخریب شده. استفاده از الگوهای ساخت سریع، فناوری های نوین ساختمانی و مشارکت نهادهای عمومی و مردمی می تواند سرعت این فرایند را افزایش دهد.

بازسازی سریع منازل آسیب دیده تنها یک اقدام عمرانی نیست؛ بلکه بخشی از مدیریت اجتماعی جنگ محسوب می شود. بازگشت خانواده ها به خانه های خود، احیای حس امنیت و ثبات را در جامعه تقویت می کند و از گسترش آسیب های اجتماعی ناشی از آوارگی جلوگیری می کند. دولت با بازسازی سریع و کارآمد خانه های تخریب شده، اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی لازم برای عبور از شرایط دشوار جنگ را نیز بازسازی خواهد کرد.

## دولت باید بسترها و ظرفیت‌های ممکن برای بازگشت سرمایه‌داران و سرمایه‌های خارج از کشور را فراهم کند.

با تحولات سریع اخیر و طلیعه شکل‌گیری یک افق جدید در منطقه ما و به‌ویژه در خلیج فارس، تحولات اقتصادی عظیم رخ داده و بلکه تحولات بسیار بزرگ‌تری در پیش است. یک نمونه کوچک اخراج ایرانیانی است که میلیاردها دلار در امارات متحده سرمایه‌گذاری کرده‌اند و کشور می‌تواند پذیرای ظرفیت اقتصادی ایشان باشد.

این تغییر، یک ناامنی لحظه‌ای و حتی یک تصمیم سیاسی مقطعی نیست؛ بلکه تغییر کلان معادلات اقتصادی در میان است. کشور ما سال‌ها تحت تحریم‌های ظالمانه و از جمله منع سرمایه‌گذاری‌های بزرگ خارجی بوده، اما اینک چنان‌که برخی اقتصاددانان بزرگ مانند سایمن جانسون (برنده نوبل اقتصادی ۲۰۲۴) اعلام داشته‌اند، این ایران است که آمریکا را تحریم کرده است. چنین وضعیتی در فرض پیروزی ایران با عنایت ربوبی، از چند مسیر پایگاهی جدید (ایران) برای سرمایه‌گذاری به جهان معرفی خواهد کرد:

اول- شکل‌گیری قدرت بالای اقتصادی ایران از طریق بی‌نیازی به درآمدهای نفتی (به‌خاطر امکان تأمین چندبرابری از عوارض تنگه هرمز) و در نتیجه قدرت مانور برای افزایش زیرساخت‌های مستعد فناورانه جهت جذب بهتر سرمایه‌گذاری‌ها نوگرا.

دوم- تثبیت معادله امنیتی جدید به‌واسطه فروپاشی تصور متوهمانه امنیت متکی بر قدرت خارجی (پایگاه‌های آمریکایی) و خردشدن آمال حکام قبیله‌ای عربی در برج‌های شیشه‌ای شهرهایی چون دبی و در مقابل تثبیت ایران به‌عنوان پایگاه قابل اتکای امن و پذیرای سرمایه‌گذاری پایدار.

سوم- تسلط ایران بر تنگه هرمز علاوه بر تأمین درآمد برای خودش (ایجابی)، کنترلی جدی (سلبی) بر وضعیت اقتصاد جهانی فراهم خواهد کرد که جایگاهش را به‌عنوان یکی از بازیگران اساسی اقتصاد تثبیت خواهد کرد.

چهارم- عمق‌یافتن اتحاد راهبردی چین و روسیه با ایران در سطوح اقتصادی و در نتیجه حرکت سرمایه‌های ایشان به سمت نقطه امن و قدرتمند ایران و هم‌زمان سست‌شدن پیمان‌های اقتصادی با کشورهای عربی و رژیم صهیونی.

واضح است این هجوم طبیعی تمایلی به سرمایه‌گذاری در کشور، باید از سوی دولتماندان با مقررات و بسترهای مستعد، تشویق، استقبال و تسهیل شده، از قبل باید برای آن آماده شود.